

# نوبنیاد

روزنامه سراسری  
صبح ایران

## هیچ‌گاه عادی بودن سقوط بالگرد را قبول نکردم

روزی محضر حضرت آقا بودم، همین سوال شما را آقا فرمودند. بالاخره نظر شما چیست آقای مخبر، این مسئله‌ای که پیش آمده؟ به حضرت آقا عرض کردم، آقا اینکه ما الآن مستندی داشته باشیم که ترور انجام گرفته است، این مستند را الان نداریم، اما هر چی این‌ها آمدند و برای من توضیح دادند که قضیه عادی است، بر ابهام من اضافه شد. یعنی من هیچ وقت تا الان، اینکه این موضوعی عادی بوده، حادثه‌ای بوده، سقوطی بوده، هیچ وقت این را قبول نکردم.»



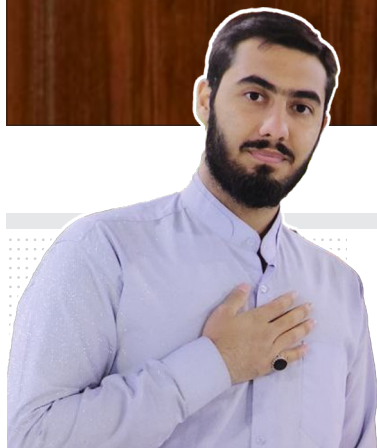
۲



پیش‌نویس توافق ادعای **العربیة**، از چرخه خطرناکی حکایت دارد که **سایه جنگ** را روی سر کشور حفظ می‌کند

# چرخه خطرناکی؛ جنگ، آتش‌بس، مذاکره

۷



«آرمان»؛ روایت

یک مظلومیت ۳

صفحه ۴

اقتصادی

جهان در آستانه بزرگ‌ترین

شوک انرژی قرن

صفحه ۵

اقتصادی

دوباره همتی؛ دوباره سانسور آمار

همزمان با اوج‌گیری گرانی‌ها، بانک مرکزی به عنوان متولی سیاست‌گذاری پولی، با توقف انتشار شاخص‌های اقتصاد، بار دیگر فضای ابهام‌آلودی را در حوزه داده‌های آماری رقم زد.

صفحه ۳

سیاسی

تله «نه جنگ؛ نه صلح»

نباید هر سیگنال مذاکره و توافق را الزاماً نشانه کاهش تنش دانست. چه بسا مذاکره در اینجا نه «مقدمه توافق» بلکه «مکانیسم خرید زمان» باشد.

مورد عجیب سخنرانی ظریف در یادبود شهید امیر عبداللہیان

سعید حاجی بابایی  
روزنامه‌نگار

مراسم دومین سالگرد شهادت شهید حسین امیر عبداللہیان و همچنین یادبود شهادت شهید سیدکمال خرازی در وزارت امور خارجه، می‌توانست صحنه‌ای برای بازخوانی یک مکتب باشد؛ مکتب دیپلماسی عزتمند و پیوند خورده با میدان. اما آنچه این مراسم را به واقعه‌ای تلخ و حیرت‌آور بدل کرد، حضور و سخنرانی محمد جواد ظریف بود؛ فردی که بخش مهمی از کارنامه سیاسی‌اش نه در تقویت که در تضعیف دیپلماسی منطقه‌ای ایران تعریف می‌شود.

متن کامل در صفحه ۶

در دومین سالگرد شهادت شهید رئیسی و شهدای خدمت، نظرات متفاوتی درباره سانحه سقوط بالگرد بیان شد

## مخبر: هیچ‌گاه عادی بودن سقوط بالگرد را قبول نکردم

سالگرد شهادت‌شان در سال گذشته، تردیدهایی پیرامون نحوه سانحه سقوط بالگرد مطرح بود اما طی یکسال اخیر و با افزایش قابل توجه ترور مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی توسط آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها، شائبه تروریستی بودن سقوط بالگرد شهدای خدمت نیز شدت گرفت.

همزمان با دومین سالگرد شهادت رئیس‌جمهور شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی و شهدای خدمت در سانحه سقوط بالگرد در روزقان آذربایجان شرقی، اتهامات بیشتری نسبت به عمدی بودن این حادثه مطرح شد. هر چند در روزهای ابتدایی پس از شهادت شهدای خدمت و همچنین در ایام اولین



نشده، اما احتمال دارد این اتفاقات فراتر از توان فنی ما باشد.

**با سرعت باور نکردنی اعلام شد «سانحه»!**  
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم نیز در گفتگویی به مناسبت دومین سالگرد شهادت آیت‌الله شهید رئیسی اظهار داشت: خیلی از مسئولین و چهره‌های نظامی و امنیتی که امروز به شهادت رسیدند، از جمله شهید شمخانی گفتند بعضی مسائل باید دوباره بازخوانی و ریشه‌یابی شود. وی افزود: شهید شمخانی هم قبل از شهادتش همین را مطرح کرده بود. به گفته اسماعیلی، شاید آن روز بعضی‌ها فکرمی کردند اگر اعلام شود ما جرایم اقدام تروریستی بوده، تبعاتی برای کشور خواهد داشت اما امروز که دشمن آمریکایی صهیونیستی، رهبر عزیزمان، شخصیت‌های برجسته نظامی، امنیتی و دانشمندان هسته‌ای ما را ترور کرده، شاید راحت‌تر بتوان درباره بعضی اتفاقات صحبت کرد. اسماعیلی همچنین تصریح کرد: چطور وقتی دو ماشین در خیابان تصادف می‌کنند، چند روز برای کروکی و بررسی زمان می‌برد، اما در خصوص بالگرد رئیس‌جمهور با آن سرعت باور نکردنی اعلام شد که فقط یک سانحه بوده؟

این را قبول نکردم. «  
وی افزود: «همچنان هم باور ندارم. الان که احتمال یک کم بیشتر است. یاد ما است که یکی از سوالاتی که آقا فرمودند این بود که می‌گویند ارتباط این بالگردها مکانیکی است، نرم افزاری نیست. گفتم آقا بالاخره این‌ها با بی‌سیم، اول با دوم، دوم با سوم، سومی با اولی، امکان نرم افزاری و دخالت وجود داشته است.»  
ابراز تردید مخبر درباره عادی بودن حادثه سقوط بالگرد شهید رئیسی و همراهان شهید او در حالی است که پیش از این مقامات دیگری نیز در اینباره اظهار تردید کرده بودند از جمله شهید شمخانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی در ایام پس از جنگ ۱۲ روزه طی مصاحبه‌ای ترور شهید رئیسی توسط رژیم صهیونیستی را به صورت تلویحی تایید کرده بود. شهید شمخانی در این خصوص گفته بود: ستاد کل تا لحظه آخر با توجه به هیئت‌های بررسی‌کننده اعلام کرد که هیچ اتفاقی در داخل پرواز رخ نداده است. وی افزود: پس از جنگ دوازده روزه، این سوال قوت گرفت که آیا ترور شهید رئیسی می‌تواند به اسرائیل مرتبط باشد. به گفته شهید شمخانی، با توجه به توان فنی بررسی‌کنندگان، هیچ نشانه‌ای از دخالت خارجی در شهادت شهید رئیسی مشاهده

امیرحسین درکی  
روزنامه نگار

محمد مخبر مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب که در دولت سیزدهم معاون اولی شهید دکتر رئیسی را برعهده داشت، اخیراً و به مناسبت سالگرد عروج شهدای خدمت، در مصاحبه با صداوسیما جمهوری اسلامی، از تردیدهای خود نسبت به سانحه سقوط بالگرد گفت. مخبر در این مصاحبه و در پاسخ به این سوال که نظراتان درباره ادعاهای ترور شهید رئیسی چیست، گفت: «از شهادت به بعد، دوره سرپرستی ریاست جمهوری بنده بود. من نشست‌های مختلفی هم با متخصصان بالگرد و... گذاشتم، هم با دستگاه‌های نظامی و اطلاعاتی. گزارش‌های فراوانی هم دادند. روزی محضر حضرت آقا بودم، همین سوال شما را آقا فرمودند. بالاخره نظر شما چیست آقای مخبر، این مسئله‌ای که پیش آمده؟ به حضرت آقا عرض کردم، آقا اینکه ما الان مستندی داشته باشیم که ترور انجام گرفته است، این مستند را الان نداریم، اما هر چی این‌ها آمدند و برای من توضیح دادند که قضیه عادی است، بر ابهام من اضافه شد. یعنی من هیچ وقت تا الان، اینکه این موضوعی عادی بوده، حادثه‌ای بوده، سقوطی بوده، هیچ وقت

### خبر کوتاه

#### حجت‌الاسلام قمی: این وضع معیشت، در شأن مردم نیست

حجت‌الاسلام محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در پیامی در صفحه شخصی خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشت: بدیهی است که این وضع معیشت، در شأن مردم نیست و با سیاست‌گران سازی به صراحت مخالفم. قضاوت‌های ناروا و غیرمسئولانه در رسانه‌ها، نباید جای اصل مطلب را بگیرد.

#### زاکانی: دست نیروهای مسلح آماده سیلی زدن به دشمن است

علیرضا زاکانی، شهردار تهران، در سخنان پیش از خطبه نماز جمعه دیروز تهران گفت: دشمن سعی می‌کند که ما را از توجه به توانمندی‌های خودمان غافل کند. ما می‌توانیم نظم نوین در قاعده اسلامی را برای جهان تعریف کنیم. لذا لازم است که تحلیلی از توانمندی‌های خودمان داشته باشیم. ایران اسلامی، مردم مبعوث شده و جغرافیای پربرکتش ظرفیت بالایی است. رهبر معظم انقلاب مافوق تصور است. نیروهای مسلح ما به لطف الهی آماده هستند. دست‌ان‌ها آماده سیلی زدن به دشمن آمریکایی است. وی افزود: مقاومت منطقه‌ای حاضرتر از هر زمانی هستند. مسئولین در تلاش برای خدمت به شما مردم هستند. امروز هیمنه آمریکا در جهان شکسته و رئیس‌جمهور چین اعلام کرد که آمریکا در مسیر افول است و این مطلب را به اتکا ملت ایران اعلام کرد. ما باید این را قدر بدانیم.

#### عبور ۳۵ کشتی از تنگه هرمز با هماهنگی سپاه

نیروی دریایی سپاه از عبور ۳۵ فروند کشتی پس از کسب مجوز با هماهنگی و تأمین امنیت از تنگه هرمز خبر داد و یادآور شد: به‌رغم ناامنی ایجاد شده در پی تجاوز ارتش تروریستی آمریکا در تنگه هرمز، نیروی دریایی سپاه یک آبراه ایمن برای کشتیرانی و استمرار تجارت جهانی ایجاد کرد.

#### پاسخ عضو دفتر دکتر جلیلی به خبرسازی رسانه نزدیک به دفتر رئیس‌جمهور

محمد علی‌مهری در صفحه شخصی خود در شبکه ایکس‌نوشت: در اوضاع امنیتی کشور، خبرسازی رسانه نزدیک به دفتر پزشکیان درباره جلسات شعام، خلاف امنیت ملی است. وقتی یک گفت‌وگو در عرصه افکار عمومی ناتوان می‌شود، به عملیات علیه منتقدانش رو می‌آورد. برای اطلاع دوستان؛ دکتر جلیلی همچنان شبانه‌روز مشغول انجام مأموریت‌ها و مسئولیت‌های محوله خود است.

#### نیلی: تنگه هرمز و هسته‌ای مطلقاً فروشی نیست

میثم نیلی در ویراستی نوشت: آقایان پزشکیان، قالیباف و عراقچی! احترام شما تا وقتی بر مردم واجب است که در مسیر حق و تحت امر و مطیع رهبری عزیز و مقتدر ما باشید. پا گذاشتن روی خطوط قرمز و عبور از حد و مرزهای تصریح شده رهبری، به معنای خیانت و پا گذاشتن روی خون مطهر امام شهید و مظلوم ماست و تحمل نخواهد شد؛ مردم بیدارند. تنگه هرمز و مواد و انرژی هسته‌ای مطلقاً فروشی نیست؛ اتقوا!

### پاسداشت

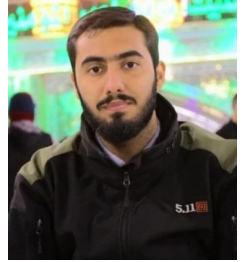
## منصوری: جنس تبعیت شهید رئیسی از رهبر شهید انقلاب متفاوت بود

محسن منصوری معاون اجرایی رئیس‌جمهور شهید رئیسی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری در دولت سیزدهم در مراسمات بزرگداشت شهید جمهور در اصفهان، ویژگی‌های شخصیتی و مدیریتی ایشان را تشریح کرد. منصوری در مراسم سالگرد شهید جمهور در مسجد سیدالشهدا (ع) اصفهان گفت: رویکرد اصلی دولت شهید رئیسی، حل مستقیم مشکلات مردم و پرهیز از بروکراسی‌های پیچیده اداری بود؛ در نتیجه همین نگاه، هزاران واحد تولیدی با حمایت‌های اجرایی و تسهیل‌گری دولت به چرخه تولید بازگشتند و زمینه ایجاد اشتغال گسترده در کشور فراهم شد. وی همچنین در اجتماع مردمی در میدان انقلاب اصفهان اظهار داشت: محور مقاومت برای دولت شهید رئیسی یک اولویت قطعی بود و در تمام رخدادها، برنامه‌ها و مناسبت‌ها، حمایت از جبهه مقاومت در صدر اقدامات دولت قرار داشت. شهید رئیسی در دفاع از محور مقاومت هیچ‌گاه لکنت نداشت و در مذاکرات با رؤسای کشورهای مختلف، شجاعانه از مردم فلسطین و جبهه مقاومت دفاع می‌کرد. منصوری در اجتماع مردمی در چهارراه نوریاران اصفهان نیز گفت: جمهوری اسلامی از مذاکرات گذشته تجربه موفق به دست نیاورده و تجربه‌های مختلف نشان داده که هرگونه گفت‌وگو باید صرفاً در چارچوب اصول و منافع ملی دنبال شود و اعتماد به دشمنان نتیجه‌بخش نخواهد بود؛ در عین حال حمایت از مسئولان و دستگاه دیپلماسی را وظیفه خود می‌دانیم و مسئولان حاضر در مذاکرات باید با قدرت و بدون کم‌فروشی در این مسیر حرکت کنند. معاون اجرایی شهید رئیسی در مراسم سالگرد شهید جمهور در گلستان شهدای اصفهان خاطر نشان کرد: در کشور مدیران ولایتمدار کم نداشتیم و نداریم، اما جنس تبعیت شهید رئیسی از رهبر شهید انقلاب متفاوت بود؛ او خود را سرباز ولایت می‌دانست و در سخت‌ترین بزنگاه‌ها، نظر رهبر انقلاب را بر مصلحت دیگری ترجیح می‌داد.



عدلیه

## «آرمان»؛ روایت یک مظلومیت



علیرضا تسلیمی، فعال سیاسی نوشت: آرمان، تنها یک نام نیست؛ آرمان، چکیده‌ی مظلومیت بسیجیان خمینی است که در هیاهوی غبار آلود خیابان، ایستادن بر سر عقیده را با خون خویشتن امضا کرد. آرمان علی‌وردی، آن جوان طلبه‌ی بی‌پناه، نه در میدان جنگی برابر، که در چنگالی بی‌رحم کسانی گرفتار شد که واژه‌ی «انسانیت» را در مسلخ خشم و کینه به فنجیج ترین حالت ممکن ذبح کردند. تصویر آن لحظات دردناک، نه فقط یک خاطره‌ی تلخ در حافظه‌ی تاریخی این دیار، که زخمی است که با گذشت زمان، بارها و بارها دهان باز می‌کند. اما دردناک‌تر از آن غروب خونین در شهرک اکباتان، خبر شوکه‌کننده‌ای بود که اخیراً کام مردمان مبعوث این سرزمین را تلخ کرد؛ تیره‌ی عاملان این جنایت آشکار، زخمی عمیق‌تر بر پیکره‌ی دادخواهی نشاناند. چگونه می‌توان پذیرفت که در پیشگاه عدلی که باید پناه ستمدیدگان باشد، حقیقتی به این روشنی، در میان پیچ‌وخم‌های «قضایی» گم شود؟ آرمان، مظلوم بود؛ نه فقط به خاطر تن زخم‌خورده‌اش، بلکه به دلیل سنگینی سکوتی که اکنون بر سر پرونده‌اش آوار شده است. شهادت، اوج پرواز او بود، اما «عدالت»، کف مطالبات جامعه‌ای است که نمی‌خواهد خون فرزندانش به متاعی بی‌بها در برابر جانان گرگ صفتی که از تکرار جنایات شان ابایی ندارند تبدیل شود. این یادداشت، نه فقط مرثیه‌ای برای آن شهید سعید، که فریاد پرسشگری است که در گلو مردمان بیدارگیر کرده است که وقتی پرونده‌ای با این سطح از تالیف عمومی و بازتاب اجتماعی، با پرسش‌های بی‌جواب و گمانه‌زنی‌های ناخوشایند مواجه می‌شود، سرمایه‌ی ارزشمند «اعتماد عمومی» دستخوش لرش می‌گردد و جانان تشنه به خون جوانان این سرزمین را جری تراز گذشته و تشویق به تکرار مدلی می‌کند که خروجی آن تیره در محاکم قضایی باشد. آرمان علی‌وردی، امروز بیش از آنکه به اشک‌های ما نیاز داشته باشد، به پاسداری از حقی نیاز دارد که با خون سرخش بر سنگ فرش خیابان نگاشته است. آرمان، نه تنها در اکباتان، که در ساحت عدالت عمومی، چشم‌انتظار

دستگاه قضایی از صدور حکم حبس برای ۳ نفر از متهمان پرونده شهید علی‌وردی و تبرئه سه متهم دیگر این پرونده خبر داد

# مظلومیت مضاعف آرمان

با وجود گذشت حدود ۴ سال از شهادت مظلومانه طلبه شهید آرمان علی‌وردی به دست اراذل و اوباش و آشوبگران غائله زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ و تأکیدات مکرر رهبر شهید انقلاب بر مجازات عاملان این جنایت تروریستی، حکم صادره برای متهمان این پرونده مشخص کرد هیچکدام از متهمان به قصاص محکوم نشدند. عدم احراز فردی که ضربه منجر به خونریزی مغزی و شهادت آرمان عزیز را زده، دلیل این حکم و عدم قصاص معرفی شده است. موضوعی که نگرانی‌ها بابت الگوگیری تروریست‌ها برای حمله جمعی به مدافعان امنیت برای فرار از قصاص را تشدید کرده است.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

بررسی مستندات موجود (از جمله پرونده بالینی، پرونده کیفری، فیلم‌های موجود)، استماع اظهارات متهمین و براساس معاینه و کالبدگشایی انجام‌شده، بررسی‌های دقیق پزشکی از ضربات، صدمات وارد شده بر بدن و... اخذ شد. براساس رای دادگاه، پزشکی قانونی در مراحل مختلف مغزی به دنبال اصابت جسم

سخت به سر اعلام و سایر صدمات را غیر موثر در فوت اعلام کرده است.

با این اوصاف ادله کافی در جهت احراز این موضوع که کدام ضربات موجب مرگ و خون‌ریزی مغزی شده است، موجود نیست.

این گزارش حاکی است مطابق گزارش نهایی اداره آگاهی امکان اینکه معلوم و مشخص شود که ضربات چه موقع و توسط چه کسی موجب شهادت شده است، نیز امکان پذیر نبوده است.

دادگاه در رای خود استدلال کرده است؛ اینکه متهمان در ایراد صدمات و جراحات غیر موثر در فوت مشارکت داشتند شبهه‌ای وجود ندارد، ضربه متهمان به شهید که می‌تواند کشنده و منتهی به مرگ شود به اثبات نرسیده است.

این گزارش می‌افزاید بررسی‌های فنی پزشکی و جنایی حاکی است اینکه آیا متهمان در ایراد ضربات به ناحیه سر متوفی که منجر به فوت شده مشارکت و دخالتی داشته‌اند یا خیر مشخص نیست. از طرفی اظهارات سایر افراد که شاهد

موضوع بوده نیز دلالتی بر اینکه متهمان دخالتی در ضربات وارد به سر داشته باشند ندارد و نمی‌توان به قطع و یقین مشارکت آنها در قتل عمدی را احراز کرد.

در نهایت با توجه به شواهد و قرائن و نظریات تخصصی کمیسیون پزشکی قانونی، سه نفر از متهمان با توجه اینکه به اقدامات آنها در جنایت واقعه مستند به برخی از رفتارهای آنها است و مرتکب هر یک از این رفتارها دقیقاً مشخص نیست، از جهت جنبه خصوصی حکم بر محکومیت آنها به تساوی به پرداخت یک فقره دیه نفس مقتول و از جهت جنبه عمومی نیز به حبس محکوم شدند.

سه نفر دیگر از متهمان با توجه به محتویات پرونده از اتهام مشارکت در قتل و مشارکت در قتل عمدی و ایراد صدمات غیر موثر در فوت در قتل تبرئه شدند.

رای صادره نهایی نیست و قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

گفتنی است پرونده شهادت شهید علی‌وردی در دادگاه انقلاب هم مفتوح رسیدگی است.



## واکنش حجت الاسلام طباطبائی به حکم قاتلین شهید علی‌وردی

یک توصیه به بسیج دارم، اگر زحمتی نیست برادران بسیجی را آموزش دهند چگونه به دست جانان و حرامیان به شهادت برسند که بالاخره فردا بشود در دادگاه کیفری و انقلاب برای تادیب بقیه اشراک دست‌کم یکی از قاتلین را به سزای عملش رسانند.

## گزارش کوتاه

### تله «نه جنگ؛ نه صلح»

سعید قاسمی  
روزنامه‌نگار

آنچه امروز در قبال ایران در حال شکل‌گیری است، لزوماً یک پروژه کلاسیک برای آغاز و یا پایان جنگ نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد واکنشگتن بیش از هر چیز در حال تثبیت یک «وضعیت تعلیقی کنترل‌شده» است؛ وضعیتی میان جنگ و صلح که نه به توافق نهایی ختم می‌شود و نه به تقابل تمام‌عیار. این همان نقطه‌ای است که بسیاری از تحلیل‌ها آن را نادیده می‌گیرند؛ زیرا تصور رایج همچنان بر این مبناست که یا مذاکره به توافق می‌رسد یا شکست آن به جنگ منتهی خواهد شد. حال آنکه ممکن است مطلوب‌ترین سناریو برای آمریکا، دقیقاً تداوم همین وضعیت خاکستری باشد. گزارش اخیر کیلر درباره‌ی افت حدود ۷۰ درصدی بارگیری نفت ایران را باید در همین چارچوب فهم کرد. این فقط یک داده اقتصادی نیست؛ بلکه در صورت اثبات این گزارش، نشانه‌ای از موفقیت تدریجی راهبرد «فرسایش بدون درگیری» است. در این مدل، آمریکا تلاش نمی‌کند ایران را با یک ضربه ناگهانی زمین‌گیر کند، بلکه هدف، کاهش تدریجی ظرفیت اقتصادی، تضعیف توان ارزی و فرسوده‌سازی ساختار تصمیم‌گیری کشور در بیست‌زمان است. به بیان دیگر، زمان خود به سلاخی علیه ایران تبدیل می‌شود.

در چنین راهبردی، مذاکره کارکردی متفاوت از معنای متعارف خود پیدا می‌کند. مذاکره دیگر صرفاً ابزار حل و فصل اختلافات نیست، بلکه می‌تواند به ابزاری برای مدیریت بحران، کنترل بازار انرژی، خصوصاً قیمت نفت و مهم‌تر از همه، نگه داشتن ایران در وضعیت انتظار تبدیل شود. اقتصاد ایران در شرایط «تعلیق‌مزمین» آسیب‌پذیرتر از شرایط بحران قطعی عمل می‌کند و این را بارها دیده‌ایم؛ زیرا فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذار و حتی سیاست‌گذار در فضایی که افق آن نامشخص است، قادر به تصمیم‌گیری بلندمدت نیستند. نتیجه، کاهش سرمایه‌گذاری، تعمیق بی‌ثباتی پولی، فرار سرمایه و فرسایش تدریجی بنیان‌های تولید است.

دقیقاً به همین دلیل است که نباید هر سیگنال مذاکره و توافق را الزاماً نشانه کاهش تنش دانست. چه بسا مذاکره در اینجا نه «مقدمه توافق» بلکه «مکانیسم خرید زمان» باشد؛ زمانی که در آن فشار اقتصادی به تدریج اثر انباشتی خود را بر اقتصاد ایران می‌گذارد. واکنشگتن به خوبی می‌داند که اقتصاد ایران بیش از آنکه در برابر شوک‌های کوتاه‌مدت آسیب‌پذیر باشد، در برابر فرسایش ممتد و ناطمینانی مزمین آسیب می‌بیند. در این میان، ناکارآمدی‌های داخلی نیز عملاً بخشی از این چرخه فرسایشی را تکمیل می‌کند. تحریم زمانی حد اکثر اثر خود را می‌گذارد که باضعف در حکمرانی اقتصادی، تورم ساختاری، ناترازی‌های مالی و فقدان چشم‌انداز سرمایه‌گذاری همراه شود. به همین دلیل است که ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های آمریکا علیه ایران، چندی پیش در مقاله‌ای برای فارن افزرز بر این نکته تأکید کرد که بهتر است ترامپ ایران را به حال خود واگذارد و تنها با اعمال فشار اقتصادی فروپاشی حاکمیت را تسهیل کند.

رفتار ترامپ نیز از همین منظر قابل تحلیل است. او برخلاف تصویر ظاهراً غیرقابل پیش‌بینی‌اش، در بسیاری موارد از «ابهام راهبردی» به عنوان ابزار فشار استفاده کرده است؛ ترکیبی از تهدید، مذاکره، تعلیق و فشار اقتصادی. این ابهام، بازار نفت را کنترل می‌کند، انتظارات اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ایران را در وضعیتی نگه می‌دارد که نه امکان خروج از بحران را دارد و نه منطق ورود به یک درگیری قطعی را.

از این منظر، شاید خطرناک‌ترین سناریو برای ایران نه جنگ مستقیم، بلکه تداوم همین وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باشد؛ وضعیتی که در آن کشور به مرور به مرور وارد فرسایش اقتصادی، کاهش ظرفیت حکمرانی و فرسایش استهلاک توان ملی می‌شود. جنگ می‌تواند پرهزینه اما کوتاه‌مدت باشد؛ اما فرسایش مزمین، اگر مهار نشود، توان یک کشور را بی‌آنکه صدای انفجاری شنیده شود، به تدریج مستهلک می‌کند. از این منظر، شاید خطرناک‌ترین سناریو برای ایران نه جنگ مستقیم، بلکه تداوم همین وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باشد؛ وضعیتی که در آن کشور به مرور وارد فرسایش اقتصادی، کاهش ظرفیت حکمرانی و استهلاک توان ملی می‌شود. جنگ می‌تواند پرهزینه اما کوتاه‌مدت باشد؛ اما فرسایش مزمین، اگر مهار نشود، توان یک کشور را بی‌آنکه صدای انفجاری شنیده شود، به تدریج مستهلک می‌کند.

۳۰

عدد خبر

مدیرکل دفتر واردات گمرک در بخشنامه‌ای، نرخ ارز مبنای محاسبه ارزش گمرکی و میزان حقوق گمرکی و عوارض واردات گوشی تلفن همراه را ابلاغ کرد. بر اساس این بخشنامه و در چارچوب ضوابط قانون بودجه ۱۴۰۵، یک درصد به نرخ ۹ درصدی مالیات بر ارزش افزوده افزوده می‌شود. همچنین نرخ ارز مبنای محاسبه ارزش گمرکی گوشی تلفن همراه برابر با متوسط نرخ ارز بهمن ۱۴۰۴ در مرکز مبادله تعیین شده و هر یورو ۱۵۵ هزار و ۱۹۶ تومان اعلام شده است. در این ابلاغیه، نرخ جدید حقوق گمرکی واردات گوشی‌های ۶۰۰ تا ۹۰۰ یورویی ۱۵ درصد و حقوق گمرکی گوشی‌های بالای ۹۰۰ یورو ۳۰ درصد تعیین شده است.

۸۳

عدد خبر

جلسه تعیین تکلیف پول گندمکاران با حضور محمدرضا عارف (معاون اول رئیس جمهور)، وزیر جهاد کشاورزی) و سید حمید پورمحمدی (رئیس سازمان برنامه و بودجه)، با محوریت پایان دادن به بلاتکلیفی پرداخت‌ها برگزار شد. خبرگزاری فارس در این باره به نقل از یک منبع آگاه نوشت: در این جلسه منابع مالی به میزان ۸۳ هزار میلیارد تومان برای پرداخت بهای گندم خریداری شده قطعی و تأمین شد. طبق این گزارش، تاکنون یک میلیون ۸۰۰ هزار تن گندم مازاد بر نیاز از کشاورزان سراسر کشور طی دو ماه اخیر خریداری شده است که با پایه کیلویی ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان، ۸۹ هزار میلیارد تومان مطالبات گندمکاران می‌شود. به دلیل آماده‌سازی مراحل اداری، احتمالاً پرداخت پول گندمکاران از امروز آغاز می‌شود.

۱۰

عدد خبر

آمار اقتصادی منتشرشده از سوی دولت ژاپن نشان می‌دهد میزان سفارشات صنعتی در این کشور نسبت به ماه قبل با کاهش ۶.۴ درصد، به ۱.۰۱ تریلیون یورو (معادل ۶.۴ میلیارد دلار) رسیده است. کارشناسان اقتصادی دولت با اشاره به اینکه نشانه مهمی در روند سفارشات ماشین‌آلات دیده نمی‌شود، بر این باورند که ایجاد چنین شرایطی در واقع اثر مستقیم تنش‌های موجود در منطقه خلیج فارس (خاورمیانه) است. این گروه معتقدند سفارشات برخی از بخش‌های تولیدی، از جمله صنعت فلزات غیرآهنی، پس از افزایش ماه قبل اکنون روند کاهشی به خود گرفته‌اند؛ تا جایی که کل سفارشات ماشین‌آلات، شامل سفارشات بخش دولتی و خارجی، با ۴.۳ درصد افزایش به ۳.۹ تریلیون یورو رسیده است.

۷

عدد خبر

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در مکاتبه‌ای با سید علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، جزئیات اصلاحات این وزارتخانه برای گنجاندن در «لایحه ایجاد نظام جدید تأمین اجتماعی» را اعلام کرد. بر این اساس، سهم حق بیمه پرداختی کارفرمایان از ۲۳ درصد به ۷ درصد کاهش می‌یابد. هدف از این اقدام، کاهش هزینه‌های تولید، تسهیل فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و افزایش انگیزه برای جذب نیروی کار عنوان شده است. بر این اساس، حق بیمه کارفرما و بیمه‌شده به صورت برابر ۷ درصد (در مجموع ۱۴ درصد) است و ۱۶ درصد مابقی حق بیمه از محل درآمدهای مالیاتی تأمین خواهد شد.

سقوط ذخایر نفت، بحران توری و رکودی نشان می‌دهد؛

## جهان در آستانه بزرگ‌ترین شوک انرژی قرن

قیمت جهانی نفت از اواخر فوریه ۲۰۲۶ تاکنون تقریباً دو برابر شده است. این افزایش ناشی از جنگ آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران است. اقتصاد جهانی را به شدت دگرگون کرده و نگرانی‌های جدی را در خصوص وقوع هزمزمان جهش تورمی و رکود افزایش داده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که «جنگ رمضان» با سرعتی بی‌سابقه در حال تحلیل بردن ذخایر نفتی جهان است. گروه انرژی «راپیدان» در جدیدترین تحلیل خود هشدار داد که تداوم انسداد تنگه هرمز تا ماه اوت، اقتصاد جهانی را با ریسک وقوع رکودی مواجه می‌کند که شدت و ابعاد آن با بحران مالی سال ۲۰۰۸ برابر می‌کند. این هشدار در حالی منتشر می‌شود که بازارهای جهانی انرژی تحت تأثیر تنش‌های اخیر، دوران پراگندگی را سپری می‌کنند.

ذخیره راهبردی آمریکا ۳۷۴ میلیون بشکه است که این میزان پایین‌ترین سطح ذخایر نفتی آمریکا از ژوئن ۲۰۲۴ محسوب می‌شود.

### بزرگ‌ترین شوک انرژی به اقتصاد

کمیسیون اروپا نیز در تازه‌ترین گزارش خود تأکید کرده است که شوک انرژی ناشی از جنگ در خاورمیانه و بسته شدن عملی تنگه هرمز، مهم‌ترین عامل این بازنگری صعودی در قیمت‌های نفت است. بر اساس این گزارش، پس از حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفند ۱۴۰۴)، قیمت نفت تا ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) حدود ۶۵ درصد افزایش یافته است. همچنین بسته شدن تنگه هرمز، جریان حمل و نقل دریایی نفت و گاز طبیعی مایع را به ترتیب حدود ۱۵ و ۲۰ درصد کاهش داده است. کمیسیون اروپا پیش‌بینی کرده است که قیمت نفت و گاز در سطحی حدود ۲۰ درصد بالاتر از سطح پیش از جنگ باقی بماند. این گزارش هشدار داده که در صورت ادامه اختلال در تنگه هرمز و تداوم جنگ، بدترین سناریو هنوز محقق نشده و ممکن است قیمت انرژی تا اواخر ۲۰۲۶ به اوج خود برسد و اقتصاد اروپا در سال ۲۰۲۷ نیز نتواند بهبود یابد. کمیسیون اروپا در پیش‌بینی بهاری خود، برآورد رشد اقتصادی ۲۱ کشور عضو منطقه یورو را برای سال جاری میلادی از ۱.۲ درصد به ۰.۹ درصد کاهش داد. پیش‌بینی رشد اقتصادی این منطقه برای سال ۲۰۲۷ نیز از ۱.۴ درصد به ۱.۲ درصد کاهش یافت. در مقابل، نرخ تورم برای سال ۲۰۲۶ ۳.۹ درصد پیش‌بینی شده؛ رقمی که نسبت به برآورد قبلی (۱.۹ درصد) افزایش قابل توجهی نشان می‌دهد و از هدف تورمی ۲ درصدی بانک مرکزی اروپا فراتر رفته است. این نهاد هشدار داد اگر قیمت‌های بالای انرژی ادامه یابد، رشد اقتصادی بیش از پیش کاهش خواهد یافت و تورم نیز بالاتر خواهد رفت. کمیسیون اروپا به صراحت اذعان کرد که جنگ علیه ایران و بسته شدن تنگه هرمز، بزرگ‌ترین شوک انرژی پس از جنگ روسیه و اوکراین را به اروپا تحمیل کرده است.

این فشارها همچنان می‌تواند آسیب‌پذیری‌های مالی و کلان اقتصادی را به شکل خطرناکی تشدید کند. طبق این گزارش، تأخیر در بازگشایی تنگه هرمز تا ماه اوت (پایان تابستان امسال)، کسری عرضه در سه ماهه سوم سال را به حدود ۶ میلیون بشکه در روز می‌رساند؛ عددی که در آستانه رسیدن ذخایر به سطوح بحرانی و چالش برانگیز عملیاتی، بسیار نگران‌کننده است. حتی اگر تنگه هرمز در اوایل ماه اوت بازگشایی شود، بازارها بلافاصله رنگ آرامش را نخواهند دید. تحلیلگران راپیدان معتقدند که روند کاهش ذخایر نفت خام حداقل تا سپتامبر تداوم خواهد داشت و با توجه به اینکه فرایند بهبود تولید در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تدریجی است، زمان قابل توجهی لازم است تا محموله‌های نفتی مجدداً به مقاصد خود در سراسر جهان برسند و توازن عرضه و تقاضا برقرار شود.

### افت ۱۰ درصدی ذخایر نفت آمریکا

آمارهای بلومبرگ نشان می‌دهد که ذخایر نفت جهان به کمترین رقم ۸ سال گذشته رسیده است؛ همان ذخایری که به گفته فانتخ بیرو، مدیرانژانس بین‌المللی انرژی، به‌زودی بازار نفت را وارد «منطقه قرمز» خواهد کرد. جدیدترین آمار مخازن نفتی آمریکا نیز نشان می‌دهد که این ذخایر تجاری و راهبردی، هفته گذشته حدود ۱۸ میلیون بشکه کاهش یافته که بزرگ‌ترین کاهش هفتگی در تاریخ این کشور است. بر اساس گزارش هفتگی موجودی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، کل موجودی نفت خام آمریکا در پایان هفته گذشته میلادی با کاهش ۱۷ میلیون و ۷۸۰ هزار بشکه‌ای روبه‌رو شده است. با این حال، از زمان آغاز جنگ ایران، ۴۲ میلیون بشکه نفت معادل ۱۰ درصد کل ذخایر راهبردی آمریکا تخلیه شده که بخش زیادی از آن به آسیا صادر شده است. بر اساس برآورد بلومبرگ، سطح فعلی



نیما سهیلی

روزنامه نگار



### صدای نفت

#### ۱۸۰ دلاری

فایننشال تایمز در یکی از گزارش‌های خود از بازار نفت در پی تنش‌های خلیج فارس نوشت، بحران انرژی از مرحله «ترس بازار» وارد مرحله کمبود فیزیکی شده و ذخایر رو به اتمام است. در این گزارش آمده که نزدیک به ۸۰ کشور وضعیت اضطراری اعلام کردند و اگر هرمز بسته بماند، سناریوی نفت ۱۸۰ دلاری جدی می‌شود.

### موج خبر

## آژانس انرژی، شکست محاصره دریایی را تأیید کرد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پس از توقف «جنگ رمضان»، دستور محاصره دریایی ایران را صادر کرد. این محاصره از روز ۲۴ فروردین ماه امسال با هدف کاهش و محدود کردن صادرات نفت ایران آغاز شد. در واقع، هدف آمریکا رساندن صادرات نفت ایران به صفر بود، اما واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که صنعت نفت ایران همچنان فعال مانده و جریان صادرات برقرار است. مقامات آمریکایی مدعی بودند با اعمال محاصره دریایی، صنعت نفت ایران طی چند روز فلج شده و این کشور مجبور به بستن چاه‌های نفت خود خواهد شد.

اکنون آژانس بین‌المللی انرژی در جدیدترین گزارش خود، تداوم تولید و صادرات نفت ایران را تأیید کرده است. این نهاد، صادرات نفت ایران را در چهارمین ماه سال جاری میلادی، یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز اعلام کرد که نسبت به ماه قبل، ۴۱۰ هزار بشکه کاهش داشته است. این نهاد در گزارش خود تأکید کرد که با وجود کاهش نسبی صادرات، تولید نفت ایران در این ماه تداوم یافته و فرایند ذخیره‌سازی نفت در مخازن ساحلی و فراساحلی همچنان ادامه دارد. علی‌رغم ادعای محاصره دریایی آمریکا، ایران در این ماه روزانه ۳ میلیون و ۵۱۰ هزار بشکه نفت تولید کرده که این رقم نسبت به ماه قبل، تنها ۱۲۰ هزار بشکه در روز کاهش داشته است. همچنین ایران در ماه آوریل به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ اوپک شناخته شد؛ عربستان با تولید روزانه ۶ میلیون و ۹۸۰ هزار بشکه در رتبه نخست و امارات با ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار بشکه در روز، پس از ایران در رتبه سوم اوپک قرار گرفته‌اند.

طبق گزارش آژانس، تولید نفت اوپک در ماه آوریل دومین ماه جنگ آمریکایی-صهیونی علیه ایران با ۶۲۰ هزار بشکه کاهش به ۲۰ میلیون و ۱۸۰ هزار بشکه در روز رسید. این در حالی است که در ماه مارس، یعنی نخستین ماه جنگ علیه ایران، نیز به دلیل انسداد تنگه هرمز و درگیری‌ها در این منطقه، تولید نفت اوپک ۸ میلیون و ۹۵۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته بود. بر این اساس، در مجموع طی دو ماه نخست «جنگ رمضان»، کل تولید اوپک ۹ میلیون و ۵۷۰ هزار بشکه در روز کاهش داشته است. افت ۳۲ درصدی تولید نفت اوپک در این دوره نشان می‌دهد که سایر اعضای اوپک که در خارج از منطقه خلیج فارس قرار دارند، نتوانسته‌اند افت تولید نفت از این منطقه را به‌طور مؤثری جبران کنند.

نو بنیاد از توقف چهار ماهه انتشار آمار تورم تولید کننده توسط بانک مرکزی گزارش می دهد؛

## دوباره همتی؛ دوباره سانسور آمار

آماري کشور رقم زده است؛ اقدامی که می تواند برای پنهان سازی اثرات واقعی سیاست ارزی دولت بر هزینه های تولید و تکرار تجربه های تلخ سانسور آماری در دوره قبلی عبدالناصر همتی باشد

همزمان با اوج گیری گرانی های اخیر و شدت گرفتن انتقادهای سیاست های ارزی بانک مرکزی، این نهاد متولی سیاست گذاری پولی، با توقف انتشار شاخص های اقتصاد، از جمله تورم تولید کننده، بار دیگر فضای ابهام آلودی را در حوزه داده های



حمید کار

روزنامه نگار

این سیاست را بر اقتصاد کلان کشور نشان می دهد، «تورم تولید کننده» است. با این حال، پس از اجرای سیاست ارز تک نرخ، این شاخص هیچ گاه منتشر نشد؛ این در حالی است که پیش از آن، گزارش مذکور به صورت منظم و ماهانه انتشار می یافت. آخرین گزارش شاخص قیمت تولید کننده مربوط به آذرماه بود که در دی ماه ۱۴۰۴ منتشر شد. بانک مرکزی با عدم انتشار گزارش تورم تولید کننده در ماه های دی، بهمن، اسفند سال گذشته و فروردین امسال — که دوره پس از اجرای سیاست ارز تک نرخ است — اثر این سیاست بر هزینه های تولید را پنهان کرده است.

### افشای مرکز آمار؛ تورم تولید کننده رکورد زد

البته نهاد آماری دیگر کشور، یعنی مرکز آمار ایران، به تازگی گزارش تورم تولید کننده در زمستان ۱۴۰۴ را منتشر کرده است. برخلاف بانک مرکزی، تواتر آماری داده های مرکز آمار ماهانه نیست و به صورت فصلی است. این موضوع باعث می شود جزئیات تورم تولید کننده در طول ماه های دی، بهمن و اسفند نامعلوم باقی بماند و تورم صرفاً در کل زمستان سال گذشته اعلام شود. با این حال، همین گزارش نشان می دهد بخش تولید کشور در زمستان گذشته با جهش توری مواجه بوده است؛ به طوری که تورم تولید کننده در هر سه شاخص فصلی، نقطه به نقطه و سالانه نسبت به پاییز افزایش یافته است. طبق این گزارش، تورم فصلی تولید کننده در زمستان گذشته جهش دو برابری داشته و از ۱۲.۷ درصد در پاییز ۱۴۰۴ به ۲۴.۸ درصد در زمستان رسیده است که رشد ۱۲ واحد درصدی را نشان می دهد. این یعنی میانگین قیمت دریافتی توسط تولید کنندگان به ازای محصولاتشان در داخل کشور، در فصل زمستان ۱۴۰۴ نسبت به فصل قبل ۲۴.۸ درصد افزایش داشت.

بررسی جزئیات گزارش مرکز آمار نشان می دهد شدت بدترین موج توری در بخش تولید در زمستان گذشته، مربوط به بخش «پرورش حیوانات» (دام، طیور و سایر محصولات حیوانی) بوده است؛ به طوری که زیربخش های این حوزه، تورم فصلی بین ۴۱ تا ۶۲ درصد را تجربه کردند. این بخش دقیقاً همان حوزه ای است که تا پیش از اجرای سیاست ارز تک نرخ در دی ماه سال گذشته، ارز ترجیحی دریافت می کرد

### همتی خاطرات سال ۹۸ را زنده کرد

جنرال توقف انتشار آمارهای مهم بانک مرکزی، در دوره اول ریاست عبدالناصر همتی نیز سابقه داشت. در سال ۹۸ زمانی که تورم مصرف کننده در حال فتح کانال های جدید بود، بانک مرکزی به ریاست همتی درست سالانه در آستانه عبور از اوج تورم دولت احمدی نژاد و حتی رکورد تاریخی تورم دولت هاشمی بود، انتشار این آمار را متوقف کرد. همتی در همان دوره انتشار آمار تورم تولید کننده را نیز متوقف ساخت؛ بعدها با روی کار آمدن دولت سیزدهم و انتشار مجدد آمارها مشخص شد تورم نقطه به نقطه تولید کننده در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰، یعنی درست ماه پایانی ریاست همتی — برای اولین بار در تاریخ سه رقیمی شده و به رکورد ۱۰۳.۱ درصد رسیده بود.

### تالار شیشه ای

## چرا بورس به جای ریزش، صعود کرد؟

معاملات بازار سهام، پس از ۸۰ روز تعطیلی (از روز ۹ اسفند ۱۴۰۴)، دوباره از سه شنبه هفته گذشته (۲۹ اردیبهشت) آغاز شد. بازار در دوروز معاملاتی سه شنبه و چهارشنبه، روندی متعادل و صعودی داشت. شاخص کل بورس تهران طی این دوروز، بیش از ۲ درصد رشد کرد و ورود پول حقیقی به بازار سهام در این مدت چشمگیر بود. طی این دو روز، از مجموع ۵۱۶ نماد معامله شده در بورس تهران و فرابورس، ۳۶۹ نماد بازدهی مثبت کسب کردند و کمتر از ۳۰ درصد از نمادها بازده منفی داشتند. میانگین بازدهی بازار سهام در دوروز معاملاتی پایانی اردیبهشت ماه به ۲.۲ درصد رسید.

برخلاف پیش بینی بسیاری از کارشناسان مبنی بر احتمال ریزش بورس پس از بازگشایی، نتیجه معاملات روز نخست متفاوت رقم خورد؛ شاخص کل در روز سه شنبه با رشد ۲۵۰۵ واحدی به ۳ میلیون و ۷۱۶ هزار واحد رسید و بازار در پایان معاملات سبزی پوش شد. ارزش کل معاملات در این روز به ۲۳.۶ هزار میلیارد تومان و ارزش معاملات خرد به ۱۱.۷ هزار میلیارد تومان رسید. همچنین ۲۷۴ نماد در محدوده مثبت و ۱۷۷ نماد در محدوده منفی قرار گرفتند؛ به طوری که حدود ۵۶ درصد بازار سبزی پوش و ۴۴ درصد سرخ پوش بود. روند مثبت بازار تنها به روز نخست محدود نشد؛ به طوری که شاخص کل در دومین روز معاملات (چهارشنبه) با جهش ۴۴ هزار واحدی مواجه شد و در سطح ۳ میلیون و ۷۶۱ هزار واحد قرار گرفت. شاخص هم وزن نیز با افزایش حدود ۱۳ هزار واحدی، به ۹۶۴ هزار واحد رسید. بررسی نسبت نماد های سبز به قرمز نشان می دهد که در پایان معاملات چهارشنبه، ۸۰ درصد از نمادها در محدوده مثبت بسته شدند و تنها ۲۰ درصد سرخ پوش بودند.

داده های معاملاتی این دوروز نشان می دهد که خالص ورود پول حقیقی به بازار سهام از مرز ۵ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. البته بیش از ۴۰ نماد بزرگ، به ویژه در گروه پتروشیمی، فولاد و معدنی، کماکان متوقف مانده اند. این شرکت ها که در جریان حملات اخیر دچار خسارت مستقیم یا اختلال در زنجیره تأمین شده اند، تا زمان شفاف سازی صورت های مالی اجازه معامله ندارند.

مجتبی دانشی، تحلیلگر بازار سرمایه، می گوید: معاملات در این دوروز، ترکیبی از شروع پایدار و یک جهش موقت بود. بخش پایداری آن، ناشی از ارزیابی ذاتی بازار است که حتی سرمایه گذاران حرفه ای محتاط را هم وسوسه می کند؛ اما بخش موقتی آن، ناشی از هیجان اولیه و عقب ماندگی از رشد نرخ ارز است. وی پیش بینی کرد که بازار پس از یک هفته وارد فاز انتخابی شود؛ به گونه ای که سهام شرکت های شفاف و با خسارت محدود، رشد خود را حفظ می کنند و نماد های آسیب دیده با فشار فروش مواجه می شوند. نکته کلیدی این است که دیگر شاهد صف های فروش فراگیر نخواهیم بود. دانشی تأکید کرد: «به سهامداران توصیه می کنم اگر سهم بنیادی دارند، صبور باشند و اگر قصد خرید دارند، پله ای و تدریجی اقدام کنند. ابزارهایی مثل اوراق تبعی نیز ریسک افت قیمت را پوشش می دهد.

حجت فرهنگیان، کارشناس بازار سهام نیز با اشاره به بسته بودن ۴۲ نماد اثرگذار (معادل حدود ۳۵ درصد ارزش بازار) گفت: ارزیابی وضعیت فعلی بورس بدون توجه به این موضوع کامل نیست. با این حال، او مهم ترین عامل رشد اخیر را انتظارات مثبت سرمایه گذاران دانست و افزود: در دوره تعطیلی بازار، نقدینگی از بورس خارج نشد، بلکه در صندوق ها و اوراق متوقف ماند و با بازگشایی بازار، بخشی از آن به سهام بازگشت.

کارشناسان، چشم انداز هفته جاری در تالار شیشه ای را متوسط به روند کاهش تنش های سیاسی و سرعت شفاف سازی شرکت های خسارت دیده می دانند. بر این اساس، با توجه به محدودیت دامنه نوسان ۳ درصدی و تریق هدفمند نقدینگی، انتظار می رود بازار سهام در روزهای آینده مسیر تثبیت و رشد تدریجی را در پیش بگیرد.

## بین الملل

## اعتراض گرینلندی‌ها به افتتاح کنسولگری آمریکا در سایه تهدیدات ترامپ

افتتاح یک مرکز دیپلماتیک بزرگتر متعلق به آمریکا در گرینلند روز پنجشنبه با اعتراض ساکنان این جزیره در قطب شمال روبه‌رو شد. معترضان در اعتراض به جاه‌طلبی‌های ترامپ برای تصرف این جزیره تظاهرات کردند. کنسولگری جدید ایالات متحده که از یک کابین چوبی در حومه شهر نووک (Nuuk) پایتخت گرینلند به یک دفتر بسیار بزرگتر در مرکز شهر منتقل شده است، به نقطه اصلی اعتراضات ساکنان آن تبدیل شده است که از تمایل ترامپ برای کنترل این جزیره نیمه خودمختار وابسته به دانمارک ناراضی هستند. براساس گزارش‌ها، «ینس-فردریک نیلسن» نخست‌وزیر گرینلند و تعدادی دیگر از سیاستمداران گفتند که دعوت برای شرکت در مراسم افتتاحیه این دفتر دیپلماتیک جدید را رد کرده‌اند.

نیلسن به روزنامه محلی گرینلند گفت: ما هنوز تصمیم رسمی برای شرکت در این اعتراضات نگرفته ایم، اما من در آن شرکت نخواهم کرد. این در حالی است که چند صد نفر از ساکنان این جزیره بیرون کنسولگری تظاهرات کردند و پرچم قرمز و سفید گرینلند و پلاکاردهایی با شعار «ایالات متحده، تماش کن» را در دست داشتند و شعار «نه یعنی نه» و «گرینلند متعلق به گرینلندی‌ها است» را سر می‌دادند. سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده در خصوص انتخاب مکان جدید گفت که آن ظرفیت بیشتری دارد و فضای فوق‌العاده‌ای برای تعامل دیپلماتیک ایالات متحده در گرینلند ارائه می‌دهد.



جنگ با ایران ایده‌آدغام اقتصادی و جهانی‌سازی را از بین برد

## پایان رویای هندی

جنگ ایران و اسرائیل و آمریکا به تبع آن بسته شدن تنگه هرمز، اثرات پایداری بر اقتصاد جهانی داشته و دارد و تا مدت‌ها پس از پایان جنگ نیز این اثرات در اقتصاد جهانی ملموس خواهند ماند. یکی از مناطقی که بیشترین اثر سوء از این جنگ را دیده، شرق آسیا و مشخصاً هند به‌عنوان یکی از متحدین آمریکا و اسرائیل است؛ در حقیقت آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها به‌صورت غیرمستقیم یکی از بزرگترین آسیب‌های اقتصادی به هند را وارد کردند. گاردین تصویر شفافی از این آسیب می‌دهد.

فارس و هزینه‌های پایین حمل و نقل، محدودیت تراز پرداخت‌ها برای کشورهای در حال توسعه با شدتی مضاعف بازگشته است. بحران در تنگه هرمز همچنین نشان می‌دهد که مدل رشد اقتصادی پس از سال ۱۹۹۰ در آسیا که هند به‌طور فزاینده‌ای آن را پذیرفته بود و به یک محیط ژئوپلیتیکی وابسته بود، اکنون در حال پایان است.

به باور گاردین، این جنگ در نهایت خط بطلانی بود بر روی ایده جهانی‌سازی برای هند، مسیری که با غرور آن را پی گرفته بود و اکنون باید با شکست آن مواجه شود «سازمان ملل در ماه آوریل هشدار داد که آسیای جنوبی که هند بزرگ‌ترین بازیگر آن است، با بیشترین خسارات ناشی از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران مواجه شد و اقتصاد منطقه‌ای آن احتمالاً تا ۳.۶ درصد کوچک خواهد شد.

در مقایسه، این رقم برای آسیای شرقی که تحت سلطه چین است، تنها ۰.۴ درصد برآورد می‌شود. سازمان ملل متحد اشاره می‌کند که این تاب‌آوری نه از وابستگی روزافزون به بازارهای شکننده جهانی، بلکه از ظرفیت‌های تولید داخلی، ذخایر استراتژیک احتیاطی کالاها اساسی و اولویت دادن به امنیت اقتصادی بر کارایی شکننده نشأت می‌گیرد. این امر به مثابه نفی اصول جهانی‌سازی به نظر می‌رسد.

است، به مسئله بزرگ‌تری اشاره دارد: عقب‌نشینی از جهانی‌سازی نئولیبرال در آسیا و بازگشت به مدیریت استراتژیک اقتصادی».

هند با یکی از بزرگترین بحران‌های انرژی در تاریخ خود مواجه است و این وضعیت موجب شده تا بیش از ۴۰ میلیارد دلار برای حفظ ارزش روپیه خرج شود «مودی یک استدلال اقتصادی صریح را مطرح کرد: کاهش واردات انرژی، زیرا هند باید ذخایر ارزی خود را حفظ کند. حدود ۹۰ درصد از نیازهای نفت و گاز هند از خارج تامین می‌شود. زمانی که قیمت‌ها به شدت افزایش می‌یابد، این کشور با صورت حساب وارداتی دلاری سنگین‌تر، تورم و فشار برای پرداخت یارانه‌های بیشتر مواجه می‌شود. بر اساس گزارش‌ها، بانک مرکزی هند برای جلوگیری از سقوط ارزش روپیه، به سرعت بیش از ۴۰ میلیارد دلار از ذخایر ارزی خود را صرف کرده است».

این جنگ تنها یک بحران نبود، به باور گاردین، این جنگ اصولاً ایده توسعه به سبک هند را زیرسوال برد «با از بین رفتن پیش‌فرض وجود خطوط کشتیرانی امن تحت نظارت آمریکا، هیدروکربن‌های ارزان خلیج



احسان میرباقری  
روزنامه‌نگار

گاریدن گزارش می‌دهد که هفته گذشته یکی از سخت‌گیرانه‌ترین درخواست‌های ریاضتی در هند بیان شد که این درخواست بیان‌گریک تغییر مهم و بنیادین در اقتصاد هند و جهان است «درخواست هفته گذشته نخست‌وزیر هند برای از خودگذشتگی، نشان‌دهنده یک تغییر بنیادین است.

او از جمعیت ۱.۴ میلیارد نفری این کشور خواست تا با توجه به افزایش شدید قیمت جهانی انرژی به دلیل جنگ در ایران، سوخت و کود کمتری مصرف کنند، طلای کمتری بخرند و سفرهای خارجی خود را محدود سازند. این پیام که یادآور محدودیت‌های دوران کرونا

### محدودیت در پرداخت‌ها

بازبین رفتن پیش‌فرض وجود خطوط کشتیرانی امن تحت نظارت آمریکا، هیدروکربن‌های ارزان خلیج فارس و هزینه‌های پایین حمل و نقل، محدودیت تراز پرداخت‌ها برای کشورهای در حال توسعه با شدتی مضاعف بازگشته است.

### یادداشت

## نظم جدید ایران بر گلوگاه جهانی

محسن پوردادفر  
روزنامه‌نگار

اقدام تازه جمهوری اسلامی ایران در تعریف «منطقه کنترل دریایی تنگه هرمز» نشان داد تهران نه فقط در میدان نظامی، بلکه در عرصه ژئوپلیتیک و مهندسی قدرت منطقه‌ای نیز وارد مرحله‌ای تازه شده است. حساب رسمی «تنگه هرمز» در شبکه اجتماعی ایکس، محدوده این منطقه را چنین تعریف کرده است: «جمهوری اسلامی ایران حوزه صلاحیت تنظیم برای مدیریت تنگه هرمز را از خط متصل کننده کوه مبارک در ایران به جنوب فجیره در امارات در ورودی شرقی تنگه، تا خط متصل کننده نوک جزیره قشم به ام‌القوین در امارات در ورودی غربی تنگه تعریف کرده است. عبور از این منطقه با هدف گذر از تنگه هرمز نیازمند هماهنگی و اخذ مجوز از سازمان تنگه خلیج فارس است»

ترجمه روشن این پیام آن است که هرگونه تردد دریایی در این محدوده، باید با هماهنگی و اجازه ایران صورت گیرد. اما آنچه این تحول را به رخدادی راهبردی تبدیل می‌کند، صرفاً مسئله کنترل تنگه هرمز نیست؛ بلکه قرار گرفتن بندر فجیره امارات در این حوزه تنظیم‌گری است.

فجیره مهم‌ترین پروژه امارات برای دور زدن تنگه هرمز بود. ابوظبی طی سال‌های گذشته میلیاردها دلار هزینه کرد تا نفت خود را از طریق خط لوله به فجیره منتقل کند و بدون نیاز به عبور از هرمز صادر نماید. غرب نیز این بندر را به‌عنوان راه فرار از اهرم هرمز طراحی کرده بود. اکنون اما خود در حوزه کنترل و تنظیم‌گری ایران قرار گرفته است.

رابرت ای. یاپ، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، نیز در واکنش به این تحول نوشت: «ایران از طریق سازمان تازه تأسیس تنگه خلیج فارس نقشه‌ای منتشر کرده است. بندر فجیره، که برای خط لوله امارات جهت دور زدن هرمز حیاتی بود، اکنون در منطقه کلیدی قرار گرفته است. ایران اکنون بر ۱۵ درصد نفت جهان تسلط دارد و این مسئله ۲ درصد دیگر به آن اضافه خواهد کرد. ایران به دنبال قدرت است، نه بازگشت به وضعیت پیش از جنگ». این سخنان در حقیقت اعترافی آشکار به تغییر موازنه قدرت در منطقه است. غرب و متحدان عرب آن سال‌ها تلاش کردند ایران را از معادلات ژئوپلیتیکی حذف کنند، اما اکنون خود ناچارند اذعان کنند که تهران در حال تثبیت قدرت ساختاری خود در شاهراه انرژی جهان است.

اما اهمیت ماجرا فقط به نفت محدود نمی‌شود. بندر فجیره یکی از حلقه‌های اصلی پروژه و کریدور «ایمک» نیز بود؛ کریدوری که رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و برخی دولت‌های عربی برای اتصال هند به سرزمین‌های اشغالی طراحی کرده بود. اکنون اما با قرار گرفتن فجیره در محدوده‌ای که هرگونه تردد و انتقال در آن نیازمند هماهنگی با ایران است، عملاً قلب عملیاتی این کریدور زیر سایه اقتدار جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

پیش نویس توافق ادعایی عربیه، از چرخه خطرناکی حکایت دارد که سایه جنگ را روی سرکشور حفظ می کند

## چرخه خطرناک؛ جنگ، آتش بس، مذاکره

العربیه ابتدا خبر را منتشر کرد، بعد تکذیبش کرد و سپس با اندکی آرایش دوباره روی خروجی فرستاد؛ پیش نویسی ادعایی از توافق ایران و آمریکا که از «توقف عملیات نظامی» و «جنگ رسانه‌ای» تا «آزادی دریانوردی در تنگه هرمز» و «لغو تدریجی

تحریم‌ها» را در برمی گیرد. همزمان، اظهارات مقام ارشد کاخ سفید و تشدید رفت و آمدهای دیپلماتیک منطقه‌ای، از جمله تحرکات پاکستان، نشان می دهد پروژه‌ای فراتر از یک مذاکره ساده در جریان است.



محسن فرهمند

روزنامه نگار

گزارش ادعایی اخیرالعربیه از توقف جنگ نظامی و رسانه‌ای، عدم هدف گیری زیرساخت های نظامی و اقتصادی، تشکیل سازوکار مشترک نظارتی، آغاز مذاکرات تکمیلی هسته‌ای ظرف ۷ روز و لغو تدریجی و نه در لحظه تحریم‌ها و آزادی دریانوردی در تنگه هرمز و دریای عمان سخن گفته شده است. همزمان، خبرنگار پولیتیکو به نقل از یک مقام ارشد کاخ سفید تأکید می کند که دو محور اصلی اختلاف همچنان نداشتن سلاح هسته‌ای (نداشتن توان هسته‌ای) و باز بودن تنگه هرمز است.

اما خطر اصلی دقیقاً جایی آغاز می شود که مذاکره از چارچوب خطوط قرمز عبور کند. اگر آنچه العربیه منتشر کرده ولو به فرض محال - بازتابی از روند واقعی گفت و گوها باشد، پرسش بزرگ این است که چه کسی مجاز است درباره محدود سازی قدرت ایران در تنگه هرمز برخلاف خطوط قرمز رهبر معظم انقلاب مذاکره کند؟ عبور از این خطوط ورود به منطقه ممنوعه‌ای است که قضاوت تاریخی

و مواخذه ملت ایران را برای مجریان آن و همچنین از بین بردن بازدارندگی کشور را به دنبال خواهد داشت. خصوصاً آنکه تاکنون نیز نتیجه دو دور مذاکرات ایران و آمریکا به دو جنگ تحمیلی و شهادت رهبر معظم انقلاب و بسیاری از مردم، دانشمندان و مسئولان سیاسی و نظامی کشور منتج شده است.

اکنون نیز خطر اصلی فقط در متن یک توافق خلاصه نمی شود؛ مسئله، گرفتار شدن کشور در «چرخه معیوب مذاکره، جنگ، آتش بس و مذاکره مجدد» است؛ چرخه‌ای که طرف مقابل طی سال های گذشته با دقت روی آن سرمایه گذاری کرده است. در این الگو، دشمن هرگز به دنبال پایان واقعی تقابل نیست، بلکه هدفش مدیریت فرسایشی نبرد با ایران است. ابتدا با فشار سیاسی و مذاکره، زمان می خرد؛ سپس در مقاطع لازم، با جنگ سنگین یا ضربات ترکیبی، شوک ایجاد می کند؛ بعد آتش بس و توافق موقت را روی میز می گذارد تا هم از پاسخ سنگین فرار کند و هم فرصت بازسازی پیدا کند؛ و پس از تجدید قوا، دوباره همان چرخه را از نقطه‌ای جدید آغاز می کند. این چرخه برای طرف مقابل

چند دستاورد همزمان دارد. نخست آنکه دکترین جنگی آمریکا و اسرائیل بر پایه حملات سریع، غافلگیر کننده و رد آسای طراحی شده است؛ بنابراین آنها پس از هر درگیری نیازمند یک دوره تنفس، ترمیم و بازآرایی هستند. آتش بس و مذاکره دقیقاً همین فرصت طلایی را در اختیارشان قرار می دهد. دوم آنکه در فاصله مذاکرات و توقف درگیری، دشمن فرصت پیدا می کند بانک اهداف خود را تکمیل و به روزرسانی کند. این چرخه برای ایران ماهیتی فرسایشی دارد. دکترین ایران مبتنی بر نبرد نامتقارن و جنگ فرسایشی است؛ یعنی قدرت ایران در استمرار فشار، فرسایش دشمن و حفظ عمق راهبردی معنا پیدا می کند. اما وقتی کشور مدام وارد سیکل «تنش، مذاکره، درگیری، توقف موقت و بازگشت به مذاکره» شود، بازدارندگی ایران مستهلک می شود. نتیجه چنین روندی، نه صلح پایدار است و نه پیروزی قطعی؛ بلکه فرسایش تدریجی قدرت ملی در یک جنگ ممتد و کنترل شده است؛ همان پروژه‌ای که اتاق های فکر غربی سال هاست آن را به عنوان راهبرد مهار و تضعیف ایران دنبال می کنند.

### آتش بس یا آنتراکتی برای جنگ بعدی؟

آنچه امروز در قالب پیش نویس «توقف جنگ» و «کاهش تنش» عرضه می شود، در واقع می تواند بخشی از یک نقشه فرسایشی بلندمدت باشد؛ «چرخه و دور باطل مذاکره، جنگ و آتش بس» که در آن دشمن پس از هر درگیری، با آتش بس و مذاکره فرصت بازسازی توان نظامی، ترمیم آرایش امنیتی و تکمیل بانک اهداف خود را پیدا می کند.

### یادداشت

#### مورد عجیب سخنرانی ظریف در یادبود شهید امیر عبداللہیان

سعید حاجی بابایی  
روزنامه نگار

مراسم دومین سالگرد شهادت شهید حسین امیر عبداللہیان و همچنین یادبود شهادت شهید سید کمال خرازی در وزارت امور خارجه، می توانست صحنه‌ای برای بازخوانی یک مکتب باشد؛ مکتب دیپلماسی عزتمند و پیوند خورده با میدان. اما آنچه این مراسم را به واقعه‌ای تلخ و حیرت آور بدل کرد، حضور و سخنرانی محمد جواد ظریف بود؛ فردی که بخش مهمی از کارنامه سیاسی اش نه در تقویت که در تضعیف دیپلماسی منطقه‌ای ایران تعریف می شود.

ظریف همان کسی است که سال ها پیش، تحت فشار برخی دولت های منطقه‌ای و برای ارسال پالس حسن نیت به پایتخت های عربی، شهید امیر عبداللہیان را از معاونت عربی و آفریقای وزارت خارجه کنار گذاشت؛ اقدامی که با ناراحتی شدید شهید قاسم سلیمانی همراه شد. چندی بعد نیز همان معاونتی که قلب هماهنگی دستگاه دیپلماسی با میدان و محور مقاومت بود، عملاً منحل شد تا پروژه بزرگ دشمنان منطقه‌ای کامل تر شود؛ همان کشورهایی که امروز در متن جنگ تحمیلی سوم، عمق دشمنی و نفاقشان آشکارتر از همیشه شده است و حتی در دوران دولت روحانی نیز بدترین میزان روابط را با ایران داشتند.

اکنون همین فرد در جایگاه تمجید کننده شهید امیر عبداللہیان ظاهر می شود؛ در حالی که در فایل صوتی معروف خود، با لحنی تحقیرآمیز درباره این شهید گفته بود: «امیر عبداللہیان خیلی به دوربین علاقه دارد.» این اظهار نظر از زبان سیاستمداری مطرح می شود که حتی در میان طیفی از حامیان سابقش نیز به خود شکیفتگی سیاسی مشهور بود و رفتارهای غیرعادی او در انتخابات ۱۴۰۳ و کمپین های انتخاباتی پزشکیان، برای افکار عمومی به نمادی از عطش دیده شدن تبدیل شد.

واقعیت آن است که ظریف هرگز نتوانست سه سال درخشان دولت شهید سید ابراهیم رئیسی و موفقیت های میدانی و منطقه‌ای شهید امیر عبداللہیان را تحمل کند. سکوت ناشی از شرم در برابر کارنامه پرهزینه برجام و دولت روحانی، پس از شهادت رئیسی و امیر عبداللہیان، جای خود را به عقده گشایی علیه آنان در جریان رقابت های انتخاباتی داد. همان روحیه‌ای که پیش تر در فایل صوتی گفت و گو با سعید لیلاز نیز خود را نشان داده بود؛ جایی که ظریف حتی از کنایه و حسادت به شهید سلیمانی، این شخصیت تاریخی ایران، ابایی نداشت. فایلی که خود لیلاز اخیراً آن را تلاشی برای ارسال پالس به آمریکا توصیف کرد؛ پالس هایی که البته حتی از سوی دولت بایدن نیز با بی اعتنائی مواجه شد.

ظریف با وجود هیاهوی رسانه‌ای و حمایت لشکر پادوهای توییتری دولت روحانی، در معادلات واقعی قدرت جهانی و حتی در نگاه غربی ها هرگز فراتر از یک مهره مناسب برای پروژه های مهار ایران معرفی نشد.

### سیاست خارجی

#### وزارت خارجه: تحریم سفیر ایران در بیروت، نمونه «یاغی گری» آمریکا است

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای، اقدام جدید وزارت خزانه داری آمریکا در تحریم محمدرضا رثوف شیبانی، سفیر منتخب ایران در بیروت، را به شدت محکوم کرد و آن را نمونه‌ای دیگراز «یاغی گری» و بی اعتنائی و اشنگتن به اصول حقوق بین الملل و منشور سازمان ملل دانست.

در این بیانیه تأکید شده است که تحریم سفیر منتخب ایران در لبنان، نقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها بوده و نشان دهنده تداوم رویکرد خصمانه هیئت حاکمه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه است.

وزارت امور خارجه همچنین تحریم تعدادی از نمایندگان حزب الله در پارلمان لبنان، مسئولانی از جنبش امل و شماری از مسئولان نظامی و امنیتی لبنان از سوی آمریکا را محکوم کرد و این اقدامات را در راستای تضعیف حاکمیت ملی لبنان و ایجاد فتنه در جامعه این کشور ارزیابی کرد. در ادامه این بیانیه آمده است که اقدامات اخیر آمریکا، نشانه تداوم همدستی و اشنگتن با رژیم صهیونیستی در تجاوز نظامی و ارتکاب جنایات علیه لبنان است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با اشاره به وحدت گروه‌ها و طوایف مختلف لبنانی، ابراز اطمینان کرده که ملت لبنان با حفظ انسجام ملی از حاکمیت و تمامیت ارضی کشور خود دفاع کرده و رژیم صهیونیستی را در دستیابی به اهدافش ناکام خواهد گذاشت.



## هدف برای نولان وسیله را توجیه می‌کند

ایمان عظیمی  
منتقد سینما

وقتی کریستوفر نولان کارش را به عنوان فیلمساز آغاز کرد بسیاری گمان می‌کردند که با استعدادی کم نظیر در مدیوم سینما طرف خواهند شد که تا سال‌ها می‌تواند با شالوده‌شکنی از کلیشه‌های ژانری تحسین مخاطبین و منتقدین را توأم با یکدیگر برانگیخته کند. آن‌ها در مورد این کارگردان چندان اشتباه نمی‌کردند. او مستعد بود و در همان قدم‌های اولیه‌اش توانست ساختمان روایت‌های هالیوودی را به سهم خود تغییر دهد و مقوله فیلم داستانی را در نگرشی نو، مجدداً از زاویه دیگری تعریف کند. امانولان هرچه با فیلم‌هایش جلو رفت این بارقه امید را کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر کرد. اکنون او با ساخته جدیدش، «آدیس» به نقطه‌ای رسیده که کسب جوایز سینمایی برایش بیش از حقیقت و مسائلی از این دست اهمیت دارد.

چندی پیش، ایلان ماسک، میلیاردر نژادپرست حامی ترامپ و مالک تسلا انتخاب «الیوت پیج» در نقش «آشیل» را نقد کرد. آشیل قهرمان اسطوره‌ای یونان در داستان جنگ تروا و یکی از شخصیت‌های اصلی آودیسسه اثر هومر است. این درحالی‌ست که الیوت پیج یک هم‌جنس‌باز است و طبیعتاً نمی‌تواند ردای یک قهرمان اسطوره‌ای به ابعاد آشیل را برتن کند. بسیار ناراحت‌کننده است که در دوگانه نولان و ایلان ماسک باید موضع دومی را بر اولی ترجیح بدیم، اما واقعیت چیزی جز این نیست، زیرا آثار برای حضور در شاخه «بهترین فیلم» باید دو مورد از استانداردهای آکادمی را رعایت کنند! یکی از این موارد به سهیم شدن اقلیت‌های جنسی، رنگین‌پوستان، افراد دارای معلولیت‌های جسمی-شناختی و... در میان بازیگران اصلی اشاره می‌کند.

نولان هم با همین دست‌درمان کار ساخت آدیس را پیش برده است، زیرا نه تنها بازیگر نقش آشیل یک هم‌جنس‌باز است، بلکه چند بازیگر سیاه‌پوست هم در این میان نقش‌هایی را در اختیار گرفته‌اند که هیچ‌سختی با متن حماسی هومر ندارد. گویا، حضور در اسکار چشم و گوش آقای کارگردان را بسته و او تمایل عجیبی برای رد کردن تمام مرزهای عرفی، اخلاقی، حرفه‌ای و... دارد. سپردن نقش آشیل به یک هم‌جنس‌باز مانند آن است که نقش رستم شاهنامه را یک بایسکشوال به عهده بگیرد!

بسته پیشنهادی رمان ایرانی نوبنیاد همزمان با هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب

## معرفی چند رمان ایرانی

در سال‌های اخیر، بخشی از ادبیات داستانی ایران بیش از گذشته به سمت روایت‌هایی حرکت کرده که در آن‌ها تجربه‌های فردی، مسائل خانوادگی و دغدغه‌های اجتماعی در کنار هم قرار می‌گیرند. چهار رمان «خانه

مغایرت»، «دختر موش‌رابی»، «نفس» و «مثل نهنگ نفس تازه می‌کنم» از جمله آثاری هستند که هر یک از زاویه‌ای متفاوت، تلاش کرده‌اند تصویری از زندگی معاصر ایرانی ارائه دهند.



مهدی سلیمانی

روزنامه‌نگار

رمان «نفس» نوشته بهزاد دانشگر نیز رویکردی متفاوت را دنبال می‌کند. این اثر که در حوزه ادبیات مستند قرار می‌گیرد، بر پایه خاطرات فردی با نام مستعار «لیلا غ» شکل گرفته است. در این کتاب، روایت بیش از آنکه متکی بر حادثه‌پردازی باشد، بر تجربه زیسته و تحولات درونی شخصیت اصلی استوار است. دانشگر تلاش کرده از احساسات اغراق‌آمیز فاصله بگیرد و تصویری واقع‌گرایانه از تقابل خواسته‌های فردی با محدودیت‌های اجتماعی ارائه دهد. تمرکز بر سوژگی زنانه و مسئولیت‌پذیری در شرایط بحرانی، از مهم‌ترین ویژگی‌های این اثر محسوب می‌شود.

در همین مسیر، رمان «مثل نهنگ نفس تازه می‌کنم» نوشته معصومه امیرزاده نیز به تجربه زنانه و فشارهای روحی و اجتماعی می‌پردازد. شخصیت اصلی این رمان، زنی است که پس از بارداری ناخواسته، با بحران‌های روانی و خانوادگی مواجه می‌شود. نویسنده به جای تکیه بر حادثه‌های پرشتاب، بر جزئیات ذهنی و کشمکش‌های آرام تمرکز کرده است؛ مسیری که رمان را به اثری روان‌شناختی و اجتماعی تبدیل می‌کند. این چهار اثر، اگرچه از نظر ساختار و روایت تفاوت دارند، اما همگی تلاشی برای نزدیک شدن به واقعیت‌های زندگی معاصر و بازتاب دغدغه‌های انسانی در قالب داستان هستند.

وجه مشترک این رمان‌ها، توجه به انسان معاصر در مواجهه با بحران‌های خانوادگی، اجتماعی و هویتی است. نویسندگان این آثار تلاش کرده‌اند به جای تکیه بر روایت‌های کلیشه‌ای، تجربه‌های ملموس و روزمره را به مرکز داستان بیاورند. از فضای بومی و خانوادگی «خانه مغایرت» تا روایت‌های تحلیلی «دختر موش‌رابی» و از مستندنگاری در «نفس» تا تمرکز روان‌شناختی «مثل نهنگ نفس تازه می‌کنم»، نوعی گرایش به ادبیات دغدغه‌مند دیده می‌شود؛ ادبیاتی که می‌کوشد مخاطب را علاوه بر همراهی با داستان، به تأمل درباره واقعیت‌های اجتماعی نیز دعوت کند و پرسش‌هایی پیش روی مخاطب بگذارد.

این آثار که از سوی ناشرانی چون شهرستان ادب، کتابستان معرفت و تلاوت آرامش منتشر شده‌اند، با تکیه بر روایت‌های بومی، مستند، روان‌شناختی و اجتماعی، مخاطب را به مواجهه با چالش‌های فردی و جمعی دعوت می‌کنند. نویسندگان این رمان‌ها کوشیده‌اند بدون فاصله گرفتن از واقعیت‌های ملموس زندگی، روابط خانوادگی، هویت زنانه، تضادهای اجتماعی و تجربه‌های درونی شخصیت‌ها را در قالب داستان بازآفرینی کنند؛ مسیری که می‌تواند برای مخاطبان جدی ادبیات داستانی معاصر قابل توجه باشد. و زمینه‌ای برای گفت‌وگو درباره مسیر تازه رمان اجتماعی ایران فراهم سازد.

رمان «خانه مغایرت» نوشته محمدعلی جعفری، با تمرکز بر زندگی یک خانواده یزدی، نمونه‌ای از روایت‌های بومی در ادبیات معاصره به شمار می‌رود. این اثر با زبانی ساده و فضایی طنزآمیز، شخصیت سعید را در مرکز روایت قرار می‌دهد و از خلال روابط خانوادگی، تفاوت نگاه نسل‌ها و سبک‌های مختلف زیست را بازتاب می‌دهد. نویسنده تلاش کرده بدون پیچیدگی زبانی، بخشی از فرهنگ و زیست اجتماعی یزد را در قالب داستان ثبت کند؛ رویکردی که باعث شده فضای رمان برای مخاطب ملموس و باورپذیر باشد.

در سوی دیگر، «دختر موش‌رابی» اثر محمد حسین زاده، به سمت روایت‌هایی با زمینه اجتماعی و تاریخی حرکت می‌کند. این رمان که از سوی کتابستان معرفت منتشر شده، تلاش دارد کنش شخصیت‌ها را در پیوند مستقیم با تحولات محیط پیرامون نشان دهد. نویسنده از روایت خطی فاصله گرفته و ساختاری را برگزیده که در آن، موقعیت‌های انسانی و درگیری‌های فردی به بستری برای بازتاب تضادهای اجتماعی تبدیل می‌شوند. همین ویژگی باعث شده «دختر موش‌رابی» در دسته آثاری قرار گیرد که علاوه بر جنبه داستانی، ظرفیت تحلیل جامعه‌شناختی نیز دارند.

خنثی و سیاست‌وسط‌بازی را انتخاب کرده‌اند، خواجه‌پاشا با صدایی بلند از شهدای میناب و کودکان بی‌گناه ایران و فلسطین سخن گفت و وجدان خاموش مدعیان آزادی را به چالش کشید. او با اشاره به اینکه بخش مهمی از سینمای جهان تحت نفوذ صهیونیسم قرار دارد، از هنرمندانی انتقاد کرد که در برابر این جنایت‌ها سکوت کرده‌اند. این موضع‌گیری شجاعانه نشان داد هنوز هنرمندانی هستند که حقیقت را فدای مصلحت و شهرت نمی‌کنند.

بی‌تردید تاریخ ایران این روزها و مواضع ارزشمند و عزتمندانه را هرگز فراموش نخواهد کرد؛ همان‌گونه که نام کسانی که در کنار مردم ایستادند، در حافظه ملت ماندگار خواهد شد. تاریخ این سرزمین نیز تک‌تک افرادی را که از صنوف مختلف و از تریبون‌هایی که در اختیار داشتند، ژست‌های بی‌هزینه را انتخاب کردند و فریاد مظلومیت کودکان ایرانی را به گوش جهانیان نرساندند، فراموش نخواهد کرد؛ کسانی که بی‌شک در شمار روسپاهان تاریخ این سرزمین قرار خواهند گرفت.



مثل بابک  
خواجه‌پاشا  
باشید!

مواضع صریح و شجاعانه بابک خواجه‌پاشا درباره میناب، بازتابی از غیرت و مسئولیت‌پذیری هنرمندی است که درد مردم و مظلومیت کودکان ایران را فراموش نکرده است. در روزهایی که بسیاری از فارسی‌زبانان حاضر در جشنواره‌های بین‌المللی، فیگور

# نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری  
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲  
کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سه‌پهلو قرنیه خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج  
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline  
nobonyadonline.ir

فرهنگی  
C U L T U R A L

■ شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۴۷

### یادداشت

## دوره این حرف‌ها تمام شده آقای فرهادی!

سعید قاسمی  
روزنامه‌نگار

موضع‌گیری‌های اصغر فرهادی در سال‌های اخیر را باید در امتداد همان سنت روشنفکری خاکستری و محافظه‌کارانه‌ای فهم کرد که بخش مهمی از طبقه متوسط غرب‌گرا به آن دلبستگی دارد؛ سنتی که بیش از آنکه در پی بیان صریح حقیقت باشد، شیفته ایستادن در نقطه‌ای میان همه چیز است. گفت‌وگوی اخیر فرهادی با

ورایتی نیز چیزی بیرون از همین الگو نیست. او ایران را به «مادر بیمار» تشبیه می‌کند و می‌گوید انسان نمی‌تواند مادرش را رها کند. این جنس استعاره‌پردازی احساسی، اگرچه در نگاه اول انسانی و عاطفی به نظر می‌رسد، اما در واقع نوعی فرار از موضع‌گیری روشن و دقیق سیاسی است. فرهادی سال‌هاست تلاش می‌کند خود را در قامت روشنفکری معرفی کند که فراتر از دوگانه‌های رایج ایستاده و از موضعی اخلاقی به جهان نگاه می‌کند، اما حاصل این وضعیت چیزی جز تولید جملاتی مبهم و چندپهلویی نیست؛ جملاتی که هر مخاطبی بتواند تفسیر مطلوب خود را از آن استخراج کند. این همان فیگور آشنای «وسط‌بازانه»‌ای است که هم در شخصیت رسانه‌های فرهادی و هم در سینمایش به وضوح دیده می‌شود. در جهان فرهادی هیچ حقیقت صریحی وجود ندارد، همه چیز نسبی است و هیچ‌کس به عنوان عامل اصلی بحران معرفی نمی‌شود. چنین نگاهی طبیعتاً برای جشنواره‌های غربی و طبقه متوسط شیفته روشنفکری اروپایی جذاب است، زیرا به آن‌ها احساس پیچیدگی فکری و برتری اخلاقی می‌دهد، اما برای مردم عادی که درگیر واقعیت خشن سیاست، تحریم، جنگ و فشار خارجی هستند، کارکردی ندارد.

وقتی دشمن با صراحت و وحشیگری مردم ایران را هدف قرار می‌دهد، دیگر نمی‌توان پشت استعاره‌های شاعرانه و جملات خنثی پنهان شد. در بزنگاه‌های تاریخی، جامعه از چهره‌های مشهور انتظار موضع روشن دارد، نه تکرار گزاره‌هایی که بتوان آن‌ها را هم‌زمان به نفع همه طرف‌ها تفسیر کرد. با این حال فرهادی ترجیح می‌دهد همچنان در همان منطقه امن روشنفکری باقی بماند؛ جایی که نه هزینه‌ای در داخل پرداخت شود و نه اعتبار او در محافل فرهنگی غرب آسیب ببیند.

در نتیجه، آنچه از فرهادی باقی می‌ماند بیش از آنکه شجاعت اخلاقی باشد، نوعی محافظه‌کاری حساب‌شده و زندانه است؛ محافظه‌کاری‌ای که برای مصرف طبقه فکری خود او مطلوب و دلنشین است، اما نسبتی با مطالبات واقعی مردم ایران ندارد.